

میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه با تأکید بر نقش برنامه‌ریزی آموزشی

ترانه عنایتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۶

چکیده

نظر به اهمیت سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه و تأثیر آن بر ماندگاری و موفقیت تحصیلی آنان در نظام آموزش عالی کشور، این پژوهش به بررسی میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاهی پرداخته است. پژوهش حاضر، توصیفی، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در یکی از واحدهای دانشگاهی استان مازندران می‌باشد. از میان جامعه مذکور، به روش تصادفی طبقه‌ای بر حسب واحد دانشگاهی، ۳۸۶ دانشجو به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه (SACQ)، متشکل از چهارده مؤلفه در چهار بعد سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی-عاطفی، و دلبستگی دانشجویان به دانشگاه، جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای و تی گروه‌های مستقل انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که از بین مؤلفه‌های چهارده‌گانه، بجز مؤلفه عملکرد که در حد متوسط قرار داشت و مؤلفه سازگاری روانی که دارای میانگینی کمتر از متوسط نظری بود؛ دوازده مؤلفه دیگر دارای میانگینی بالاتر از سطح میانگین نظری بودند. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه بر اساس جنسیت دانشجویان تفاوت معناداری نداشت، ولی بر اساس علاقه به رشته تحصیلی و بر حسب نگرانی در مورد هزینه‌های زندگی دارای تفاوت معناداری بود. از نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که بعضی از دانشجویان به راحتی از عهده چالش‌های ناشی از ورود به دانشگاه بر نمی‌آیند و لازم است تا با برنامه‌ریزی صحیح، این دسته از دانشجویان شناسایی و با ارائه خدمات مشاوره‌ای تخصصی و برنامه‌های مداخله‌ای آموزشی در رفع این مشکل به آنها یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: سازگاری آموزشی؛ سازگاری اجتماعی؛ سازگاری فردی-عاطفی؛ دلبستگی به دانشگاه؛ برنامه‌ریزی آموزشی

مقدمه

در دنیای امروزی، زندگی بدون برنامه‌ریزی، صرفاً بر اساس شانس شکل می‌گیرد. برنامه‌ریزی، فرآیندی پویا و متشکل از گروهی از تصمیمات به هم مرتبط است. برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و نقشه کشیدن برای آینده است و می‌توان آن را پیش‌بینی نیازها و تخمین منابع برای تحقق اهداف از پیش تعیین شده تلقی کرد، یعنی؛ می‌توان برنامه‌ریزی را تصمیم‌گیری برای آینده دانست (محسن‌پور، ۱۳۹۰). برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی و به طور خاص در دانشگاه‌ها، باید سعی در پاسخ به نیازهای فردی دانشجویان و تأمین نیازهای جامعه داشته باشد. می‌توان از اهداف برنامه‌ریزی آموزشی برای دانشجویان، به ساده‌سازی فرآیند تحصیل، پاسخگویی به نیازهای فردی دانشجویان، با موفقیت گذراندن دوره آموزشی، و کنار آمدن با استرس‌های بالقوه این دوره اشاره کرد. رفتن به دانشگاه، کاری فراتر از رفتن به مدرسه است و سن جدایی، استقلال و یک مرحله رشدی مهم در خانواده محسوب می‌گردد. دانشگاه فقط جایی برای یادگیری علم و دانش یا فن و حرفه نیست، بلکه راهی برای کشف زمینه‌های مورد علاقه زندگی است. راهی برای یافتن خویش و ابعاد مختلف خود است. تا قبل از دوران دانشگاه، اکثر دانش‌آموزان به جز محیط خانه و مدرسه، ارتباط اجتماعی چندانی ندارند. آمادگی برای کنکور، مطالعه دروس و شرکت در کلاس‌های مختلف کنکور به اندازه‌ای زمان و انرژی دانش‌آموزان را می‌گیرد که کمتر فرصتی برای سایر فعالیت‌ها باقی می‌ماند. ولی، پس از پذیرش در دانشگاه، اکثر دانشجویان بیشتر وقت خود را در محیطی غیر از خانواده می‌گذرانند. آن قدر زندگی دانشجویی با فعالیت‌های مختلف آمیخته شده است که بدون فعالیت‌های جانبی، شاید زندگی دانشجویی معنایی نداشته باشد (نوری، ۱۳۸۹). دوران تحصیل در دانشگاه دوران حساسی است، زیرا دانشجو با تغییرات اساسی در آموزش، ارتباطات اجتماعی و خانوادگی و امور فردی رو به رو می‌شود. آموزش در دانشگاه، فرآیند پیچیده‌ای است که دانشجویان تجارب متفاوتی از آن به دست می‌آورند. اتفاقاتی که در زندگی دانشجویان رخ می‌دهد و فشار بیش از حد بر آنها، ممکن است منجر به ایجاد اضطراب و ناراحتی گردد. به خصوص دانشجویان سال اول که ممکن است با موارد خاصی رو به رو شوند که نیاز به صرف انرژی زیادی برای سازگاری با محیط دانشگاه داشته باشند و مجبور شوند با محیط اجتماعی جدید و فشارهای جدید آموزشی خود را تطبیق دهند (روشنایی، ۱۳۸۹).

هر چند هفته‌های اول ورود به دانشگاه می‌تواند به علت آشنایی با افراد جدید، نیاز به اطلاعات و دانش جدید و از همه مهم‌تر، رشد به عنوان یک فرد جوان و مستقل، رویداد فوق‌العاده‌ای برای دانشجویان محسوب شود؛ اما، می‌تواند استرس‌آور هم باشد، زیرا که معمولاً دانشجویان سال اول در موقعیت‌های مختلف دارای مشکلاتی در سازگاری اجتماعی^۱ و سازگاری فردی-عاطفی^۲ هستند

^۱ Social Adjustment

^۲ Personal-Emotional Adjustment

(چیکرینگ و ریسر^۱، ۱۹۹۳) و با تکالیف مختلفی رو به رو می‌شوند (مدالی^۲، ۱۹۸۱). این مسأله به‌خصوص در مورد دانشجویان سال اول صادق است، موردی که مدالی (۱۹۸۱) وظیفه «محرومیت^۳» و «سرمایه‌گذاری^۴» نامیده است، که محرومیت از خانه و ارتباطات قبلی در دبیرستان؛ و سرمایه‌گذاری در جامعه جدید دانشجویی محسوب می‌شود. برای دانش‌آموزان، دوره انتقال به دانشگاه همراه با یک جدایی از الگوها و هنجارهای مرتبط با تجارب قبلی آنها است، که در الگوی رفتاری دانشگاه به طور کامل قرار ندارد (میلن و برگر، ۱۹۹۷). دانشجویان از خانه و مدرسه جدا شده و بایستی همزمان با گروه‌های جدید شامل استادان، دانشجویان و کارکنان در تعامل باشند. دانشجویی که هدفش به پایان رساندن دوره تحصیلی دانشگاهی است، مجبور است خود را با محیط وفق دهد و الگوهای جدید در جامعه‌ای جدید را به منظور موفقیت در به اتمام رساندن دوره تحصیلی، بپذیرد. وی باید به اندازه کافی هوشیار و مراقب باشد که هنجارهای این جامعه جدید را شناسایی و آن را در نظر گرفته و اگر که مایل است، این هنجارها را بپذیرد. گاهی اوقات، دانشجویان به این نتیجه می‌رسند که این هنجارهای جدید آن چیزی نیستند که آنها را دوست داشته باشند و بپذیرند. در این جا است که ممکن است انحرافی پیش بیاید، ممکن است دانشگاه را ترک کنند و دیگر باز نگردند، یا این که دانشگاه محل تحصیل خود را به منظور رفتن به دانشگاهی دیگر رها کنند (داونی، ۲۰۰۵).

هر ساله در کشور آمریکا، حدود ۶۰٪ از دانشجویان سال اول، علیرغم اینکه به طور کامل واجد شرایط شرکت در دوره‌های آموزشی دانشگاهی هستند، از نظر تحصیلی آمادگی گذراندن دوره‌های دانشگاهی را ندارند (مرکز ملی سیاستگذاری آموزش عمومی و آموزش عالی^۵ و انجمن آموزشی منطقه‌ای جنوب^۶، ۲۰۱۰). هر چند که هر ساله تعداد ثبت نام کنندگان دانشگاهی افزایش دارد، ولی در واقع پایان دوره تحصیلات دبیرستانی به معنای آمادگی برای گذراندن دوره‌های دانشگاهی نیست (اچیو^۷، ۲۰۱۰). با این حال که حضور در دانشگاه، به نظر تجربه بسیار خوشایندی است که موجب رضایت دانشجویان می‌گردد؛ اما، بسیاری از دانشجویان قادر به اتمام دوره تحصیل خود نیستند. نتایج تحقیق تینتو (۱۹۹۶) نشان داد که ۴۰٪ از دانشجویان آمریکایی که دوره‌های چهار ساله تحصیلات دانشگاهی را می‌گذرانند، قادر به اتمام دوره تحصیلی خود نیستند. مطالعه‌ای که توسط وینتر و باورز^۸ (۲۰۰۷) انجام شد، نشان داد که از ۹۹۴ دانشجوی دوره کارشناسی در یک دانشگاه کانادایی، ۵۹/۹٪ در طی ۶ سال فارغ‌التحصیل شده‌اند، ۹٪ ثبت نام مجدد کرده‌اند و ۳۳/۱٪ نه فارغ‌التحصیل شده‌اند و نه مجدداً ثبت نام کرده‌اند. واضح است که از بین دانشجویانی که در

¹ Chickering & Reisser

² Medalie

³ Divestment

⁴ Investment

⁵ NCPPHE: National Center for Public Policy and Higher Education

⁶ SREB: Southern Regional Education Board

⁷ Achieve

⁸ Wintre & Bowers

دانشگاه ثبت نام می‌کنند، همگی فارغ‌التحصیل نمی‌شوند و بسیاری از آنها ممکن است به مؤسسات آموزشی دیگری منتقل شوند. در چند سال اخیر منتهی به سال ۲۰۰۳ در آمریکا، نرخ کلی فرسایشی^۱ حدود ۲۶ درصد بود و در کالج‌های دولتی این نرخ (ترک تحصیل) ۳۱/۸٪ گزارش شده است (اکت^۲، ۲۰۰۲).

تینتو (۱۹۹۶) معتقد است هفت دلیل عمده منجر به رها کردن دانشگاه می‌گردد: مشکلات آموزشی، مشکلات سازگاری، اهداف نامشخص، تعهدات بیرونی، مشکلات مالی، ناسازگاری بین دانشجو و دانشگاه، و انزوای طلبی. مطالعات در خصوص ماندگاری و سازگاری دانشجویان با دانشگاه نشان داده است که ورود دانشجویان به دانشگاه می‌تواند برای بسیاری از دانشجویان جدیدالورود استرس زیادی را ایجاد کند (پری و همکاران^۳، ۲۰۰۱)، زیرا که با چالش‌های شخصی و بین فردی زیادی روبرو می‌شوند. این چالش‌ها، شامل ایجاد روابط جدید (به خصوص برای دانشجویان غیربومی)، تغییر روابط با افراد خانواده و فامیل، و نیاز به ایجاد عادات جدید یادگیری برای محیط‌های آموزشی جدید است (پارکر و همکاران^۴، ۲۰۰۴). شکست در دستیابی به این توانایی‌ها جزو شایع‌ترین علل رها کردن دانشگاه هستند (گردس و ملینکروت^۵، ۱۹۹۴). بر اساس نظر اسمیت و رنک^۶ (۲۰۰۷)، ترکیب استرس‌ورهای^۷ زیادی که در زندگی دانشجویی وجود دارد، مانند برنامه‌ریزی برای آینده، تلاش برای گذراندن امتحانات، برآورده کردن انتظارات استادان و انتقال به دوران عدم وابستگی مالی و عاطفی، ممکن است برای بسیاری از دانشجویان تجربه‌ای بسیار سخت باشد. اگر چه، تقریباً تمام دانشجویان جدیدالورود به محض ورود به دانشگاه خود را با محیط سازگار می‌کنند، ولی در سرعت سازگاری با یکدیگر متفاوت هستند (بلیملینگ و میلنتبرگر^۸، به نقل از دیسون و رنک^۹، ۲۰۰۶).

سازگاری به دانشگاه یک عامل مهم در پیش‌بینی عواقب و دستاوردهای آتی دانشجویان است (کلینسیو و کازان^{۱۰}، ۲۰۱۴) و به عنوان یک عامل مهم و مؤثر بر ماندگاری دانشجویان در دانشگاه به رسمیت شناخته شده است. بسیاری از عوامل ممکن است سازگاری یک دانشجو با دانشگاه را تحت تأثیر قرار دهد، به خصوص دانشجویانی که دور از خانه زندگی می‌کنند و یا برای اولین بار در محل خوابگاه دانشگاه اقامت دارند. این دانشجویان ممکن است به بیماری دوری از خانه^{۱۱} مبتلا شوند، تعارضاتی با هم اتاقی‌هایشان پیدا کنند، احساس بی‌کفایتی کنند و یا مواردی این چنین را

¹ Overall attrition rates

² ACT

³ Perry et al.

⁴ Parker et al.

⁵ Gerdes & Mallinckrodt

⁶ Smith & Renk

⁷ Stressors

⁸ Blimling & Miltenberger

⁹ Dyson & Renk

¹⁰ Cliniciu & Cazan

¹¹ Homesickness

تجربه کنند (دانشگاه ویسکانسین^۱، ۲۰۰۰). پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص سازگاری دانشجویان حاکی از آن است که دانشجویانی که در خوابگاه زندگی می‌کنند بیشتر از آنچه به مسایل دانشگاهی خود بپردازند، گرفتار حل و فصل امور روزمره خود می‌شوند. وضعیت دانشجویان سال اول از این هم بدتر است، چون آنها انتظارات غیر واقعی سطح بالایی از زندگی اجتماعی خود در دوران دانشجویی دارند، چیزی که استرن آن را «افسانه‌پردازی سال اولی‌ها» می‌نامد (هولمستروم^۲ و همکاران، ۲۰۰۲).

سازگاری یک مفهوم پیچیده و چند وجهی است که به فرایندهای پویا که منجر به انطباق مناسب بین فرد و محیط زیست می‌شود، اطلاق می‌شود (رمزی، جونز و بارکر^۳، ۲۰۰۷). تعریف سازگاری، بسیار پیچیده و دشوار است و مفهومی است که از زمان داروین تا کنون، به طور گسترده‌ای از آن استفاده شده است. سازگاری یک فرایند روانی انطباق، مقابله و مدیریت مشکلات، چالش‌ها و خواسته‌های زندگی روزمره است (کلینسیو و کازان، ۲۰۱۴). سازگاری، هماهنگ ساختن رفتارها به منظور برآورده ساختن نیازهای محیطی است که غالباً مستلزم اصلاح تکانه‌ها، هیجانات یا نگرش‌ها است. در نقطه مقابل، ناسازگاری موقعیت ناخوشایندی است که در آن فرد از مهارت‌ها و توانایی‌های مناسب برخوردار نبوده و باعث به وجود آمدن مشکلات اضافی برای خود و دیگران می‌شود (امان‌الهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸). سازگاری در اصل از علم زیست‌شناسی نشأت گرفته است. نخستین بار، داروین آن را در نظریه تکامل خود مطرح نمود، سپس این مفهوم در علوم دیگر هم چون روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد استفاد قرار گرفت. در روانشناسی، سازگاری فرایندی کم و بیش آگاهانه فرض می‌شود که بر پایه آن فرد با محیط اجتماعی، طبیعی یا فرهنگی انطباق می‌یابد. این انطباق مستلزم آن است که فرد خود را تغییر داده یا این که فعالانه تغییراتی در محیط ایجاد نماید و در نتیجه هماهنگی لازم بین فرد و محیط ایجاد شود. چاپلین سازگاری را تغییر در فعالیت‌ها به منظور فائق آمدن بر موانع و ارضای نیازهای خود تعریف می‌کند. وی سازگاری را نوعی حل مسأله می‌داند که در آن ارگانسیم یا فرد، نیازی دارد که نمی‌تواند با روش‌های قبلی برآورده کند. در چنین موقعیت‌هایی، رفتار تغییر داده می‌شود تا این که پاسخ منجر به ارضا شود (زارعی، میرهاشمی و پاشاشریفی، ۱۳۹۱).

از لحاظ تاریخی، مفهوم سازگاری دانشجو با دانشگاه، در زمینه تئوری‌های مرتبط با ماندگاری دانشجویان در دانشگاه ایجاد شد؛ زیرا محققان، علاقه‌مند به درک عوامل مرتبط با سازگاری دانشجویان با دانشگاه و ارتباط بین سازگاری و ماندگاری (عدم ترک تحصیل) دانشجویان بودند (باکهاس^۴، ۲۰۰۹). بر اساس نظر ال-شریده و گو^۵ (۱۹۹۸)، سازگاری را می‌توان به عنوان

¹ University of Wisconsin

² Freshman Myth

³ Holmstrom

⁴ Ramsay, Jones & Barker

⁵ Backhaus

⁶ Al-Sharideh & Goe

نشان‌دهنده یک فرایند انتقالی دانست که در طول زمان آشکار می‌کند که دانشجو نحوه مقابله با ضروریات محیط دانشگاه را یاد گرفته است. آرکوف^۱ سازگاری با دانشگاه را از جنبه دستاوردهای دانشگاهی، شامل موفقیت‌های تحصیلی و رشد فردی می‌داند. در این رویکرد، دانشجویان سازگار، افرادی هستند که نمرات مناسبی کسب می‌کنند و می‌توانند دروس خود را بگذرانند و در نهایت فارغ‌التحصیل شوند. در مقابل، دانشجوی ناسازگار شخصی است که نمرات نارضایت‌بخش به دست می‌آورد، عملکرد وی در دروس در سطح مرزی یا شکست قرار دارد و تمایل به ترک دانشگاه قبل از فارغ‌التحصیلی را بروز می‌دهد. از نظر آرکوف، علاوه بر پیشرفت تحصیلی، سازگاری با دانشگاه شامل ایده رشد فردی نیز می‌شود. به این معنی که یک دانشجوی سازگار، رشد فردی خوبی از جنبه‌های غیر آموزشی (با توجه به دستاوردهای خارج از کلاس درس) را نیز از خود نشان می‌دهد (عبدالله، ۲۰۰۹).

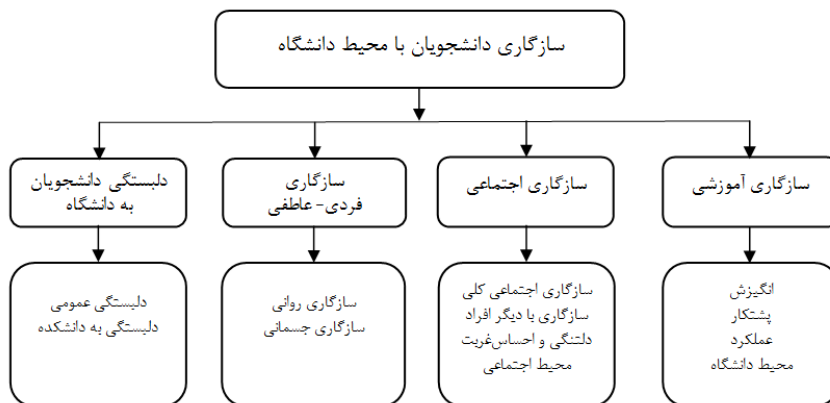
بیکر و سیریک (۱۹۹۹) اظهار داشتند که سازگاری دانشجویان یک امر چند وجهی است و دانشجو باید طی فرایندهای انطباق با محیط آموزشی بتواند خود را با الزامات و شرایط آن منطبق سازد (فرحبخش، ۱۳۹۰). همانگونه که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، بیکر و سیریک (۱۹۹۹) سازگاری با محیط دانشگاه را در چهار بعد دسته‌بندی کرده‌اند: سازگاری آموزشی^۲، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی-عاطفی، و دلبستگی به دانشگاه^۳. سازگاری آموزشی؛ به موفقیت دانشجو در مقابله با شرایط مختلف آموزشی که در دانشگاه با آن مواجه می‌شود مانند جنبه‌های مختلف انگیزشی، پشتکار، عملکرد و محیط دانشگاهی اطلاق می‌گردد. سازگاری اجتماعی؛ به موفقیت دانشجو در مقابله با خواسته‌های فردی-اجتماعی ذاتی موجود در تجارب دانشگاهی از جمله سازگاری اجتماعی کلی، روابط با دیگران، دلتنگی و احساس غربت، و محیط اجتماعی توجه دارد. سازگاری فردی-عاطفی؛ مرتبط با وضعیت سلامت روانی و جسمی فرد در محیط جدید می‌باشد. حالت درون روانی دانشجو در هنگام سازگاری با دانشگاه و درجه‌ای که پریشانی روانی به طور کل و هر گونه مشکلات جسمانی همراه را تجربه می‌کند. دلبستگی به دانشگاه؛ به میزان تعهد دانشجو به اهداف آموزشی و درجه دلبستگی وی به مؤسسه آموزشی که در آن مشغول به تحصیل است، اشاره دارد (تایلر و پاستور^۴، ۲۰۰۵، کلینسیو و کازان، ۲۰۱۴).

^۱ Arkoff

^۲ Academic Adjustment

^۳ Institutional Attachment

^۴ Taylor & Pastor



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش برگرفته از مدل بیکر و سیریک (۱۹۹۹)

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش‌های مشابهی هر چند اندک، در زمینه سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه انجام شده است که در ادامه بررسی می‌شود. نیک‌فال‌آذر و رشادت‌جو (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان سازگاری دانشجویان سال اول در دانشگاه‌های ایرانی، به این نتیجه دست یافتند که سطح سازگاری دانشجویان در چهار بعد سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی-عاطفی، و دلبستگی دانشجویان به دانشگاه در سطح متوسط قرار داشته که نشان دهنده روبرو بودن دانشجویان با مشکلاتی در سطح دانشگاه می‌باشد. دیگر یافته‌های تحقیق ایشان نشان داد که سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه با خودکارآمدی دانشجویان رابطه معنادار دارد. در پژوهش کلینسیو و کازان (۲۰۱۴)، مشخص شد که دانشجویانی که عادات مطالعه بهتری برای خود ایجاد کرده‌اند، سازگاری بیشتری با دانشگاه دارند. تحقیقی توسط سیمونز (۲۰۰۸) به منظور بررسی سازگاری دانشجویان سال اول در ایرلند انجام شد. داده‌ها از طریق تکمیل پرسش‌نامه سازگاری با محیط دانشگاه (SACQ)^۱ توسط ۱۲۵ دانشجوی دختر و پسر گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد که سازگاری دانشجویان در کل در وضعیت خوبی قرار دارد. هم‌چنین دانشجویان دختر در خصوص ترس از وابستگی به دانشگاه، سطح پایین‌تری را نسبت به پسران نشان می‌دادند. اسپیر اشمیت (۲۰۰۵) در پژوهشی، میزان سازگاری دانشجویانی که اولین نسل دانشجویان در خانواده خود بودند را با دانشجویانی که در خانواده آنها سابقه تحصیل دانشگاهی وجود داشت، مقایسه کرد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که دانشجویان نسل اول دارای سازگاری اجتماعی کمتری هستند. هم‌چنین، دانشجویان سال اول نسبت به دانشجویان سال بالاتر، سازگاری کمتری با دانشگاه را نشان دادند. یافته‌های تحقیق عبدالله^۲ (۲۰۰۹) در خصوص سازگاری دانشجویان سال اول دانشگاه دولتی مالزی، نشان داد که سازگاری دانشجویان در کل در حد متوسط قرار دارد و

^۱ The Student Adaptation to College Questionnaire

^۲ Abdullah

دانشجویان پسر دارای سازگاری بیشتری از دختران بودند. همچنین نتایج نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانشجویان، پیش‌بینی کننده معناداری برای سازگاری عمومی، سازگاری آموزشی و سازگاری فردی- عاطفی می‌باشد.

روشنایی (۱۳۸۹) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه انجام داد. نتایج نشان داد که با بهبود صمیمیت بین پدر و مادر، حمایت پدر و مادر، وضعیت آموزشی، اجتماعی و اقتصادی پدر و مادر، علاقه‌مندی فرد به رشته تحصیلی، هوش و پذیرش مسؤولیت‌های فردی، سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه نیز بهبود می‌یابد. والدین به خصوص مادران در سازگاری آموزشی، اجتماعی و فردی دانشجویان نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که موفقیت در این دوره به معنی سازگاری با فرهنگ دانشگاه و احساس تعلق به دانشگاه است. میکائیلی‌منیع (۱۳۸۹) رابطه سبک‌های هویت و سازگاری با دانشگاه و تعیین نقش تعهد به عنوان متغیر میانجی بین آنها را مطالعه کرد. به این منظور ۳۳۲ دانشجو از رشته‌های تحصیلی مختلف دانشگاه ارومیه انتخاب و با استفاده از آزمون سبک‌های هویت و پرسش‌نامه سازگاری دانشجویان با دانشگاه (SACQ) مطالعه شدند. نتایج نشان داد سبک‌های هویت به شکل معناداری قادر است تمام مؤلفه‌های سازگاری با دانشگاه را پیش‌بینی و تبیین کند. متغیر جنسیت با ورود به تحلیل توانست ضریب تعیین را در پیش‌بینی مؤلفه‌های سازگاری تحصیلی، اجتماعی، شخصی، هیجانی و سازگاری کلی به شکل معناداری افزایش دهد و فقط در مؤلفه دل‌بستگی به دانشگاه جنسیت نقش میانجی‌گرانه معناداری نداشت ولی تعهد هویتی برای همه مؤلفه‌ها و نمره کلی سازگاری نقش میانجی معناداری داشت.

با توجه به بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیق، پژوهش حاضر بر اساس چارچوب نظری پژوهش به شرح شکل ۱ انجام شد. لذا، با توجه به هدف اصلی تحقیق که بررسی میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه با تأکید بر نقش برنامه‌ریزی آموزشی است، محقق به دنبال بررسی سؤالات پژوهشی به این شرح می‌باشد:

۱. سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه و ابعاد آن (سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی- عاطفی، دل‌بستگی دانشجویان به دانشگاه) با توجه به نقش برنامه‌ریزی آموزشی، به چه میزان است؟
۲. آیا میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک دانشجویان (جنسیت، نگرانی در مورد هزینه زندگی و علاقه به رشته تحصیلی) متفاوت است؟

روش‌شناسی

این پژوهش به بررسی میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه می‌پردازد. بنابراین از آنجا که این تحقیق به بررسی ادراکات شخصی افراد و توصیف وضعیت موجود می‌پردازد، توصیفی و از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در یکی از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران می‌باشد که طبق آمار به‌دست آمده از دبیرخانه هیأت امنای استان مازندران، تعداد کل آنان ۶۵۰۰۰ نفر می‌باشد. حجم نمونه بر اساس فرمول حجم معلوم جامعه محاسبه شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای بر حسب تعداد افراد جامعه در واحدهای دانشگاهی انجام شد و ۳۵۹ نفر به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. شایان ذکر است که با توجه به این که سهم بعضی از واحدهای دانشگاهی کمتر از ۲۰ دانشجو می‌شد، بنابراین واحدهای دانشگاهی مذکور از مطالعه حذف و نمونه آماری از بین بقیه واحدها به شرح جدول ۱ انتخاب گردید. هم‌چنین، ویژگی‌های دموگرافیک نمونه مورد مطالعه در جدول ۲ ارایه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصدی جامعه و نمونه دانشجویان در واحدهای دانشگاهی مورد مطالعه

کل	ساری	قائم‌شهر	بابل	آمل	چالوس	تنکابن	واحد دانشگاهی	
۵۲۳۸۳	۹۲۶۵	۱۲۱۳۹	۶۰۱۸	۴۵۹۶	۹۳۸۲	۸۵۶۲	فراوانی در جامعه	دانشجویان
۳۵۹	۶۸	۹۰	۳۷	۳۲	۶۹	۶۳	فراوانی در نمونه	

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها

درصد فراوانی	فراوانی	متغیر
۵۰	۱۸۰	مرد
۴۹	۱۷۵	زن
۱	۴	بدون پاسخ
۳۴	۱۲۱	علوم انسانی
۷	۲۵	علوم پزشکی
۴۲	۱۵۰	فنی و مهندسی
۳	۱۳	علوم پایه
۳	۱۰	هنر
۱۱	۴۰	بدون پاسخ
۳۳	۱۲۰	شاغل
۶۳	۲۲۵	غیرشاغل
۴	۱۴	بدون پاسخ

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه سازگاری دانشجویان با دانشگاه (SACQ) بود. پرسش‌نامه مذکور دارای ۶۷ سؤال و متشکل از ۱۴ مؤلفه است که چهار بعد سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی- عاطفی، و دلبستگی دانشجویان به دانشگاه را بررسی می‌کند. نحوه نمره‌گذاری به این صورت است که پاسخگویان در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت از کاملاً در مورد من صدق می‌کند تا اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند، به سؤال‌های آزمون پاسخ می‌دهند. پرسش‌نامه سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه، ابتدا در اوایل سال ۱۹۸۰ تدوین شد و شامل ۵۲ گویه بود. سپس به ۵۷ گویه و در چهار حیطه سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی- عاطفی، و دلبستگی آموزشی گسترش یافت. این ابزار بیشتر از آن که به ارزیابی محیط دانشگاهی توجه کند، به کیفیت سازگاری دانشجویان تمرکز دارد (بیکر و سیریک^۱، ۱۹۹۹). نتیجه آن که این ابزار هم برای اهداف مشاوره‌ای و هم برای اهداف پژوهشی، کاربرد دارد و از زمان انتشار آن توسط اداره خدمات روان‌شناسی غرب تا سال ۲۰۰۵، در ۹۸ پایان‌نامه به کار گرفته شده است (اسپیر اشمیت^۲، ۲۰۰۵). این پرسش‌نامه ابتدا برای ارزیابی دانشجویان سال اول دانشگاه کلارک طراحی شده بود، ولی در حال حاضر به نظر می‌رسد استفاده از آن در تمامی سال‌های تحصیلی کاربرد دارد (بیکر و سیریک، ۱۹۹۹). در این تحقیق، پرسش‌نامه مذکور به فارسی ترجمه شد، روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان موضوعی بررسی و تأیید گردید و پایایی آن بر اساس مطالعه مقدماتی و اجرا در یک گروه دانشجویی ۳۰ نفره، ۰/۹۲ محاسبه گردید.

به منظور بررسی توصیفی داده‌ها از آمار توصیفی شامل ارایه جداول، فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد و جهت تفسیر و تحلیل داده‌ها و تعمیم نتایج آن، از آزمون تی تک نمونه‌ای و تی گروه‌های مستقل استفاده شد.

یافته‌ها

ابتدا چهار بعد تشکیل‌دهنده سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه، شامل سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی- عاطفی، و دلبستگی دانشجویان به محیط دانشگاه همراه با مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هر بعد در جدول ۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ Baker & Siryk

^۲ Speer Schmidt

جدول ۳: توصیف ابعاد تشکیل‌دهنده سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن

انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه‌ها	ابعاد سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه
۱/۲۷	۶/۲۱	انگیزش	سازگاری آموزشی
۱/۳۷	۵/۶۲	پشتکار	
۱/۳۱	۴/۸۷	عملکرد	
۱/۶۸	۵/۸۱	محیط دانشگاه	
۱/۵۴	۵/۷۵	سازگاری اجتماعی کلی	سازگاری اجتماعی
۱/۱۵	۵/۱۴	سازگاری با دیگر افراد	
۱/۹۸	۵/۲۹	دلتنگی و احساس غربت	
۱/۶۶	۵/۳۳	محیط اجتماعی	
۱/۶۷	۴/۵۷	سازگاری روانی	سازگاری فردی- عاطفی
۱/۴۷	۵/۲۴	سازگاری جسمانی	
۲/۰۳	۶/۵۲	دلبستگی عمومی	دلبستگی دانشجویان به دانشگاه
۱/۱۹	۶/۰۲	دلبستگی به دانشکده	

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌گردد، از میان ۱۴ مؤلفه بررسی شده، میانگین ۱۲ مؤلفه از میانگین نظری ۵ بیشتر است که نشان دهنده مثبت بودن نگرش آزمودنی‌ها از لحاظ توصیفی می‌باشد. ولی میانگین مؤلفه عملکرد از بعد سازگاری آموزشی؛ و میانگین مؤلفه سازگاری روانی از بعد سازگاری فردی- عاطفی، پایین‌تر از میانگین نظری به دست آمده است. از بین مؤلفه‌های ۱۴ گانه، دلبستگی عمومی دارای بالاترین میانگین بود.

به منظور بررسی سؤال اول پژوهش؛ یعنی، بررسی میزان سازگاری آموزشی دانشجویان و ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن با توجه به نقش برنامه‌ریزی آموزشی، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است که شرح آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: بررسی تفاوت میانگین ابعاد چهارگانه با میانگین نظری با استفاده از آزمون تی تک گروهی

Test Value = 5					مؤلفه‌ها	ابعاد سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه
تفاوت در سطح اطمینان ۹۵٪		تفاوت میانگین	سطح معناداری	t		
پایینی	بالایی					
۱/۳۴۹	۱/۰۸۵	۱/۲۱۷	۰/۰۰۰	۱۸/۱۲۶	انگیزش	سازگاری آموزشی
۰/۷۶۷	۰/۴۸۲	۰/۶۲۴	۰/۰۰۰	۸/۶۳۰	پشتکار	
۰/۰۱۰	-۰/۲۶۲	-۰/۱۲۶	۰/۰۶۹	-۱/۸۲۲	عملکرد	
۰/۹۹۳	۰/۶۴۵	۰/۸۱۹	۰/۰۰۰	۹/۲۳۸	محیط دانشگاه	
۰/۹۱۸	۰/۵۹۸	۰/۷۵۸	۰/۰۰۰	۹/۳۱۴	سازگاری اجتماعی کلی	سازگاری اجتماعی
۰/۲۶۲	۰/۰۲۲	۰/۱۴۲	۰/۰۲۰	۲/۳۳۲	سازگاری با دیگر افراد	
۰/۵۰۱	۰/۰۸۸	۰/۲۹۴	۰/۰۰۵	۲/۸۱۰	دلتنگی و احساس غربت	
۰/۵۰۸	۰/۱۶۳	۰/۳۳۶	۰/۰۰۰	۳/۸۲۹	محیط اجتماعی	
۰/۲۴۹	-۰/۵۹۶	-۰/۴۲۲	۰/۰۰۰	-۴/۷۸۹	سازگاری روانی	سازگاری
۰/۳۹۸	۰/۰۹۳	۰/۲۴۵	۰/۰۰۲	۳/۱۶۶	سازگاری جسمانی	فردی- عاطفی
۱/۷۳۵	۱/۳۱۳	۱/۵۲۴	۰/۰۰۰	۱۴/۲۱۳	دلبستگی عمومی	دلبستگی
۱/۱۵۲	۰/۹۰۴	۱/۰۲۸	۰/۰۰۰	۱۶/۲۶۲	دلبستگی به دانشکده	دانشجویان به دانشگاه

با توجه به جدول ۴ مشخص می‌شود که در تمام موارد اختلاف معناداری بین میانگین به دست آمده با میانگین نظری وجود دارد و مؤلفه‌ها در سطحی بالاتر از میانگین قرار گرفته‌اند؛ بجز در مورد مؤلفه عملکرد از بعد سازگاری آموزشی که در حد متوسط قرار دارد. هم‌چنین از آنجا که مؤلفه سازگاری روانی دارای میانگینی کمتر از متوسط نظری است، بنابراین سازگاری روانی دانشجویان کمتر از حد متوسط می‌باشد.

به منظور بررسی سؤال دوم پژوهش؛ یعنی، مقایسه میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک دانشجویان (جنسیت، علاقه به رشته تحصیلی و نگرانی در مورد هزینه زندگی)، از آزمون تی گروه‌های مستقل به شرح جدول ۵ استفاده شد.

جدول ۵: آزمون تی گروه‌های مستقل

سطح معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	ویژگی	
۰/۳۲۰	-۰/۹۸	۰/۸۳	۵/۴۱	مرد	جنسیت
		۰/۸۸	۵/۵۰	زن	
۰/۰۰۰	۴/۷۷	۰/۸۵	۵/۵۲	بله	علاقه به رشته تحصیلی
		۰/۷۸	۴/۶۸	خیر	
۰/۰۳۰	-۲/۱۱	۰/۸۸	۵/۴۰	بله	نگرانی در مورد هزینه‌های زندگی
		۰/۸۴	۵/۶۳	خیر	

با توجه به جدول ۵ در مقایسه سازگاری دانشجویان بر حسب جنسیت، سطح معناداری از سطح ۰/۰۵ بیشتر می‌باشد، بنابراین با ۹۵٪ اطمینان این نتیجه حاصل می‌گردد که میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه بر اساس جنسیت دانشجویان متفاوت نیست. در مقایسه سازگاری دانشجویان بر حسب علاقه به رشته تحصیلی و بر حسب نگرانی در مورد هزینه‌های زندگی، سطح معناداری از سطح ۰/۰۵ کمتر به دست آمد. بنابراین با ۹۵٪ اطمینان این نتیجه حاصل می‌گردد که میزان سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه بر اساس علاقه به رشته تحصیلی و بر اساس نگرانی دانشجویان از هزینه‌های زندگی، متفاوت است. در واقع، دانشجویانی که به رشته تحصیلی خود علاقه دارند و در مورد هزینه‌های زندگی خود نگرانی ندارند، سازگاری بیشتری با محیط دانشگاهی را نشان می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سازگاری آموزشی در چهار بعد سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی-عاطفی، و دلبستگی دانشجویان به دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که دانشجویان در سه بعد سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی و دلبستگی بالاتر از حد متوسط و در بعد سازگاری فردی-عاطفی در حد متوسط قرار دارند و در کل، سازگاری آموزشی آنها بالاتر از حد متوسط است. یافته به دست آمده با یافته‌های حاصل از پژوهش سیمونز (۲۰۰۸) و نیک‌فال‌آذر و رشادت‌جو (۲۰۱۵) که نشان دادند سطح سازگاری دانشجویان در چهار بعد سازگاری آموزشی، سازگاری اجتماعی، سازگاری فردی-عاطفی، و دلبستگی دانشجویان به دانشگاه در سطح متوسط قرار داشته، همسو است. یافته‌های پژوهش عبدالله^۱ (۲۰۰۹) نیز حاکی از وجود سازگاری متوسط در دانشجویان دانشگاه دولتی مالزی بود.

یافته‌های حاصل از بررسی بعد سازگاری آموزشی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن نشان داد که انگیزش، پشتکار و سازگاری با محیط دانشگاه در دانشجویان بالاتر از متوسط است، ولی در بعد عملکرد در وضعیت پایینی قرار دارند. این یافته‌ها حاکی از آن است که دانشجویان از علت حضور خود در دانشگاه مطلع هستند و دارای اهداف دانشگاهی کاملاً مشخصی هستند. با توجه به بررسی زیرمؤلفه‌ها، مشخص می‌گردد که علاوه بر اینکه دانشجویان سعی در به روزرسانی اطلاعات علمی خود دارند، اخذ مدرک دانشگاهی نیز برای آنان بسیار مهم است و به همین علت سعی می‌کنند تا به طور مرتب در کلاس‌ها شرکت کنند و از تنوع دروس، از برنامه‌های کلاسی، از استادان و در کل از شرایط تحصیلی خود در دانشگاه راضی هستند. یافته‌ها نیز نشان داد که ۸۶٪ از دانشجویان ابراز داشته‌اند که به رشته تحصیلی خود علاقه‌مند هستند. نمره پایین‌تر از میانگین عملکرد در بعد سازگاری آموزشی، حاکی از این بود که دانشجویان تکالیف درسی دانشگاهی را

^۱ Abdullah

سخت ارزیابی می‌کنند. از عملکرد خود در امتحانات و در کل، از سطح عملکرد دانشگاهی و تحصیلی خود احساس رضایت کافی ندارند. احساس می‌کنند که به خوبی از عهده فعالیت‌های دانشگاهی بر نمی‌آیند. اکثر دانشجویان از داشتن مشکل برای تمرکز کردن هنگام مطالعه شکایت داشتند و معتقدند که به اندازه تلاشی که برای فعالیت‌های درسی‌شان می‌کنند، نتیجه نمی‌گیرند. یافته‌ها نیز نشان داد ۱۷٪ از دانشجویان سابقه مشروطی را اعلام کرده‌اند.

یافته‌های حاصل از بررسی سازگاری اجتماعی و ابعاد تشکیل‌دهنده آن شامل سازگاری اجتماعی کلی، سازگاری با دیگر افراد، دلتنگی و احساس غربت، و محیط اجتماعی نشان از وضعیت مناسب آن داشت. در بعد سازگاری اجتماعی کلی، دانشجویان ابراز داشته‌اند که احساس می‌کنند با شرایط دانشگاه سازگاری دارند؛ توانسته‌اند در محیط دانشگاه با دیگر دانشجویان ارتباطات اجتماعی نزدیک ایجاد کنند و معتقدند که در این زمینه دارای مهارت‌های اجتماعی کافی هستند و از میزان شرکت خود در فعالیت‌های اجتماعی دانشگاه احساس رضایت می‌کنند. در بعد سازگاری با دیگر افراد، دانشجویان ابراز داشته‌اند که توانایی دوست شدن با دیگران را دارند. دانشجویانی که از خانواده خود دور بودند ابراز داشته‌اند که با هم اتاقی‌های خود به خوبی کنار می‌آیند و دوستان و آشنایان خوبی در دانشگاه پیدا کرده‌اند که در صورت لزوم بتوانند مشکلاتشان را با آنها در میان بگذارند. اما، در بعد دلتنگی و احساس غربت، دانشجویان ابراز داشته‌اند که احساس دلتنگی برای خانه، برایشان مشکل‌ساز شده است و اخیراً در دانشگاه احساس تنهایی می‌کنند و در مقایسه، حضور در خانه را به دانشگاه ترجیح می‌دهند. در رابطه با این یافته خاطر نشان می‌شود که اسپیر اشمیت (۲۰۰۵) نیز نشان داد که دانشجویان سال اول نسبت به دانشجویان سال بالاتر، سازگاری کمتری با دانشگاه را نشان می‌دهند. زیرا همانگونه که پارکر و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند این دسته از دانشجویان با چالش‌های شخصی و بین فردی زیادی شامل ایجاد روابط جدید با افراد، تغییر روابط با افراد خانواده و فامیل و نیاز به ایجاد عادات جدید یادگیری برای محیط‌های آموزشی جدید روبرو هستند.

یافته‌های حاصل از بررسی مؤلفه‌های سازگاری فردی-عاطفی، نشان از وضعیت نامناسب سازگاری روانی و وضعیت مناسب سازگاری جسمانی داشت. دانشجویان در بعد سازگاری روانی احساس عصبی و تحت فشار بودن را گزارش کرده‌اند و از دمدمی مزاجی و افسردگی خود شکایت داشتند. مستقل بودن و به عهده گرفتن مسؤولیت‌های فردی برایشان آسان نبوده و گزارش کردند که نمی‌توانند احساسات خود را به خوبی کنترل کنند؛ بعضی به این فکر بودند که از یک مرکز مشاوره روانشناسی و یا یک روان‌نگر خارج از محیط دانشگاهی کمک بگیرند، زیرا اخیراً به آسانی عصبانی می‌شدند و گاهی به راحتی افکارشان مغشوش می‌شد. دانشجویان غلبه بر استرس‌های دانشگاهی را کار سختی دانستند و ۶۸٪ از آنها برای هزینه‌های دانشگاه نگرانی زیادی را ابراز کردند. در مقابل، بررسی سازگاری جسمانی آنها نشان می‌دهد که مشکلی در رابطه با خستگی‌های بی‌مورد، اختلال در میزان خواب و اشتها، بیماری‌هایی مانند سردرد ندارند و به طور کلی احساس سلامت

جسمانی می‌کنند. پری و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند که ورود دانشجویان به دانشگاه می‌تواند برای بسیاری از دانشجویان جدیدالورود استرس زیادی را ایجاد کند. بر اساس نظر اسمیت و رنک^۱ (۲۰۰۷)، ترکیب استرسورهای^۲ زیاد در زندگی دانشجویی، ممکن است برای بسیاری از دانشجویان تجربه‌ای بسیار سخت باشد و در موقعیت‌های مختلف مشکلاتی در سازگاری اجتماعی و سازگاری فردی- عاطفی برای آنها به وجود بیاورد (چیکرینگ و ریسر، ۱۹۹۳).

یافته‌های حاصل از بررسی دل‌بستگی دانشجویان به دانشگاه و ابعاد تشکیل‌دهنده آن شامل دل‌بستگی عمومی و دل‌بستگی به دانشکده نشان از وضعیت مناسب داشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان به فکر ترک دانشگاه، گرفتن مرخصی تحصیلی و یا انتقال به دانشگاه دیگری نیستند و از تصمیم خود برای رفتن به تحصیل در دانشگاه خشنود هستند.

یافته‌های پژوهش، حاکی از عدم وجود تفاوت در سازگاری دانشجویان بر اساس جنسیت بود. چویی^۳ (۲۰۰۰) نیز در تحقیق خود یافته مشابهی را نشان داده است. در سازمان‌های آموزشی دیگر نیز تحقیقات مشابهی انجام شده و نتایج مشابهی مبنی بر عدم وجود تفاوت بر حسب جنسیت به دست آمد (کالسرنر- سیلور^۴، ۲۰۰۰، بتنکورت^۵ و همکاران، ۱۹۹۹). دیگر یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویانی که نگران پرداخت هزینه تحصیلی خود هستند دارای سازگاری کمتری با دانشگاه می‌باشند. بعضی از تحقیقات انجام شده در رابطه با پایگاه اقتصادی اجتماعی دانشجویان و درآمد خانواده آنها حاکی از آن بود که دانشجویانی که با درآمدهای خانوادگی پایین‌تر هستند در مقایسه با دانشجویانی که والدین ثروتمندتر دارند؛ دارای نمرات پایین‌تری از مقیاس سازگاری آموزشی هستند (بیرنی- لفقوویچ^۶، ۱۹۹۷).

از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که اگر چه پشت سر گذاشتن موفقیت‌آمیز آزمون‌های ورودی و شروع دوره تحصیلی در دانشگاه، تجربه‌ای بسیار لذت‌بخش و افتخارآفرین برای دانشجو و خانواده وی هست، ولی در بعضی از موارد دانشجویان به راحتی از عهده بعضی از چالش‌های این تغییر در زندگی خود بر نمی‌آیند. در این موقعیت، والدین و مسؤولان دانشگاه همانگونه که بایستی به گونه‌ای رفتار کنند که دانشجو بتواند دوره ورود به بزرگسالی و پذیرش مسؤلیت را بیاموزد، نباید به عنوان فردی بزرگسال وی را رها کنند تا با مشکلات گذر از این دوره تنها بماند. زیرا همانگونه که نوری (۱۳۸۹) بیان می‌کند نگرانی‌های زیادی در مورد زندگی دانشجویی وجود دارد: نگرانی از زندگی در محیط ناآشنا و غریبه، نگرانی از توانایی در حل مسایل و مشکلات و نگرانی از بیماری‌های جسمانی؛ که شاید دانشجویان به تنهایی از عهده مدیریت این چالش‌ها بر نیامده و نیاز به مساعدت و توجه ویژه خانواده و محیط دانشگاه داشته باشند. امروزه،

¹ Smith & Renk

² Stressors

³ Choi

⁴ Kalsner-Silver

⁵ Bettencourt

⁶ Birnie-Lefcovitch

بهره‌گیری نامناسب از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی می‌تواند منجر به عدم رشد و توسعه کشور شود و تأخیر در بهبود و اصلاح برنامه‌های آموزشی اثرات زیانباری به همراه دارد. برنامه‌ریزی، پلی است برای از بین بردن فاصله بین جایی که فرد در آن قرار دارد و جایی که می‌خواهد به آن برسد. برنامه آموزشی طرحی است حاوی سیاست‌ها، اهداف، راهبردها و برنامه عمل مربوط به توسعه یک نظام یا نهاد آموزشی در خلال یک دوره زمانی معین که روش‌های اجرا و ارزیابی و نیز منابع مورد نیاز برای تحقق سیاست‌ها و اهداف در آن پیش‌بینی شده است. برنامه‌ریزی آموزشی، کاربرد روش‌های تحلیلی در مورد هر یک از اجزای نظام آموزشی به منظور ایجاد نظام آموزشی کارآمد است (محسن‌پور، ۱۳۹۰). بنابراین، مشخص است که برای بهبود آینده دانشجویان و بهره‌گیری مناسب از سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، بایستی بر اساس برنامه حرکت کرد.

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که به دانشجویان، مشاوره‌های تخصصی آموزشی ارائه شود و کارگاه‌های آموزشی مرتبط برگزار گردد. همچنین، با توجه به اینکه عدم سازگاری آموزشی ممکن است منجر به ترک تحصیل و رها کردن دانشگاه شود، توصیه می‌شود دانشجویان نیازمند کمک که نمی‌توانند خود را با محیط دانشگاه سازگار کنند، شناسایی و کمک‌های تخصصی به آنها ارائه شود، تا قادر به پشت سر گذاشتن این دوره شوند. همچنین، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که علاوه بر اینکه علل پایین بودن سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاهی مورد بررسی قرار گیرد، برنامه مداخله‌ای^۱ آموزشی برای رفع مشکلات دانشجویان جهت ارائه راه‌حل‌ها و کمک‌رسانی برای حل مشکلات سازگاری دانشجویان در نظر گرفته شود تا به این طریق یک تصویر دقیق و قانع‌کننده‌ای از وضعیت دانشگاهی دانشجویان به آنها ارائه شود. همچنین توصیه می‌شود که کلیه کارکنان و به‌خصوص اعضای هیأت علمی، به صورت فعال در برنامه‌های مربوطه دخالت داده شوند تا در مواقع لزوم بتوانند راهنمای مناسبی جهت بهبود و افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های دانشجویان در بالا بردن توانایی در سازگاری آموزشی آنان باشند.

^۱ Intervention

منابع

- امان‌الهی فرد، عباس؛ عطاری، یوسفعلی و خجسته‌مهر، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با ناسازگاری در بین دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر اهواز. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۸(۳۰)، ۶۱-۸۲.
- روشنایی، مهرناز. (۱۳۸۹). تأثیر عوامل فردی و خانوادگی بر سازگاری دانشجویان با محیط دانشگاه. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۶(۱)، ۱۹-۴۳.
- زارعی، حیدرعلی؛ میرهاشمی، مالک و پاشا شریفی، حسن. (۱۳۹۱). ارتباط سبک‌های تفکر با سازگاری تحصیلی در دانشجویان پرستاری. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۲(۳)، ۱۶۰-۱۶۶.
- فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). تهیه آزمون سازگاری دانشجویان (اسد)، و تعیین پایایی، روایی و تعیین هنجار آن. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۶(۲)، ۲۳-۴۵.
- محسن‌پور، بهرام. (۱۳۹۰). *مبانی برنامه‌ریزی آموزشی*، سمت.
- میکائیلی منبع، فرزانه. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. *مطالعات روانشناختی*، ۶(۲)، ۵۱-۷۴.
- نوری، ربابه. (۱۳۸۹). *خانواده و دانشجو*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Abdullah, M. Ch., Elias, H., Mahyuddin, R., & Uli, J. (2009). Adjustment amongst first year students in a Malaysian University. *European Journal of Social Sciences*, 8(3), 496-505.
- Achieve. (2010). *Closing the expectations gap, 2010: Fifth annual 50-state progress report on the alignment of high school policies with the demands of college and careers*. Washington, DC: Author. Retrieved from <http://www.achieve.org/files/AchieveClosingtheExpectationsGap2010.pdf>
- ACT, Inc. (2002, November 15). *College graduation rates steady despite increase in enrollment*. Retrieved from <http://www.act.org>
- Al-Sharideh, K. A., & Goe, W. R. (1998). Ethnic communities within the university: An examination of factors influencing the personal adjustment of international students. *Research in Higher Education*, 39(6), 699-725
- Backhaus, A. L. (2009). *The college experience: Exploring the relationships among student socioeconomic background, experiences of classism, and adjustment to college*. A Dissertation Presented to the Faculty of the Graduate College at the University of Nebraska in Partial Fulfillment of Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Baker, R., & Siryk, B. (1999). *The SACQ student adaptation to college questionnaire manual*. Los Angeles: Western Psychological Services.
- Bettencourt, B. A., Charlton, K., Eubanks, J., Kernahan, C., & Fuller, B. (1999). Development of collective self-esteem among students: Predicting adjustment to college. *Basic and Applied Social Psychology*, 21, 213-222.
- Birnie-Lefcovitch, S. J. (1997). *Adaptation during the transition from high school to*

university: An examination of selected person, environment and transition perception variables. Doctoral dissertation, Wilfrid Laurier University, 1997. Dissertation Abstracts International, 58, 3435A.

Chickering, A., & Reisser, L. (1993). *Education and identity* (2nd Ed.). San Francisco: Jossey-Bass.

Choi, K-H. (2000). *Psychological separation-individuation and college adjustment among Korean-American students: The role of collectivism-individualism*. Unpublished doctoral dissertation, Loyola University of Chicago, Chicago.

Cliniciu, A. I., & Cazan, A-M. (2014). Academic adjustment questionnaire for the university students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 127, 655-660.

Downey, V. P. (2005). *An exploration of the adjustment processes of freshmen student-athletes and non-athlete students*. Dissertation submitted to the School of Physical Education at West Virginia University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Education in Physical Education.

Dyson, R., & Renk, K. (2006). Freshmen adaptation to university life: Depressive symptoms, stress, and coping. *Journal of Clinical Psychology*, 62(10), 1231-1244.

Gerdes, H., & Mallinckrodt, B. (1994). Emotional, social, and academic adjustment of college students: a longitudinal study of retention. *Journal of Counseling & Development*, 72 (3), 281-288.

Holmstrom, L., Karp, D., & Gray, P. (2002). Why laundry, not Hegel? Social class, transition to college, and pathways to adulthood. *Symbolic Interaction*, 25(4), 437-462.

Kalsner-Silver, L. (2000). *Adjustment in a multicultural undergraduate population: Attachment 413 quality, ethnic identity, and separation-individuation*. Doctoral dissertation, Rutgers University and University of Medicine and Dentistry of New Jersey, 2000. Dissertation Abstracts International, 61, 1290A.

Medalie, J. (1981). The college years as a mini-life cycle: Developmental tasks and adaptive options. *Journal of the American College Health Association*, 30, 75-79.

Milem, J. Y., & Berger, J. (1997). A modified model of college student persistence: Exploring relationship between Astin's theory of involvement and Tinto's theory of student departure. *Journal of College Student Development*, 38(4), 387-400.

National Center for Public Policy and Higher Education & Southern Regional Education Board. (2010). *Beyond the rhetoric: Improving college readiness through coherent state policy*. Retrieved from http://www.highereducation.org/reports/college_readiness/focus.Shtml

Nikfal Azar, N., & Hamideh Reshadatjoo, H. (2015). Adjustment amongst first year students in an Iranian University. *Gazi Univertesi Gazi Egitim Fakultesi Dergisi*, 4(4).

Parker, J. D. A., Summerfeldt, L. J., Hogan, M. J., & Majeski, S. A. (2004). Emotional intelligence and academic success: Examining the transition from high school to university. *Personality and Individual Differences*, 36(1), 163-173.

Perry, R. P., Hladkyj, S., Pekrun, R. H., & Pelletier, S. T. (2001). Academic control in the achievement of college students: A longitudinal field study. *Journal of Educational Psychology*, 93(4), 776-789.

Ramsay, S., Jones, E., & Barker, M. (2007). Relationship between adjustment and support types: Young and mature-age local and international first year university students. *Higher Education*, 54, 247-265.

Simmons, S. (2008). *Adaptation to college and individuation attachment: A review of first year students in contemporary Ireland*. Dissertation of School of Social Sciences and Law, Dublin Institute of Technology.

Smith, T., & Renk, K. (2007). Predictors of academic-related stress in college students: An examination of coping, social support, parenting, and anxiety. *NASPA Journal*, 44(3), 405-431.

Speer Schmidt, C. (2005). *An exploration into first generation adult student adaptation to college*. Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the degree Doctor of Philosophy, Department of Educational Leadership College of Education, Kansas State University, Manhattan, Kansas.

Taylor, M. A., & Pastor D. A. (2005). Adjustment to College as a Predictor of First-Year Retention. *Paper presented at the annual meeting of the Association of Institutional Research*, May 2005, San Diego, CA.

Tinto, V. (1996). Reconstructing the first year of college. *Planning for Higher Education*, 25(1), 1-6.

University of Wisconsin-La Crosse. (2000). *Residence Life Program* [Brochure]. La Crosse, WI: Author

Wintre, M. G., & Bowers, C. D. (2007). Predictors of persistence to graduation: Extending a model and data on the transition to university model. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 39(3), 220-234.